**روز عرفه، روز شناخت است. عرفه روزي است كه خداي سبحان بندگان خود را به عبادت و اطاعت خويش فرا مي خواند و خوان كرم و احسان و لطف خود را براي آنان مي گسترد و درهاي مغفرت و بخشش و رحمتش را بر روي آنان مي گشايد.**

دل در جوشش ناب عرفه، وضو مي گيرد و در صحراي تفتيده عرفات، جاري مي شود. آن جا كه ايوان هزار نقش خداشناسي است. لب ها ترنم با طراوت دعا به خود گرفته و چشم ها امان خود را از بارش توبه، از دست داده اند. دل، بيقرار روح عرفات، حضرت اباعبدالله الحسين (ع) شده است. پنجره باران خورده چشم ها از ضريح اجابت، تصوير مي دهد و اين صحراي عرفات است كه با كلمات روحبخش دعاي امام حسين (ع) و اشك عاشقان او بر دامن خود اجابت را نقش مي كند. اشك و زمزمه ما را نيز بپذير، اي خداي عرفه.

در اين روز حجاج بيت ا... الحرام با وقوف در صحراي عرفات با خداي خويش به مناجات مي پردازند و دعاي عرفه امام حسين(ع) را قرائت مي كنند.  
مسلمانان نيز در گوشه گوشه اين كره خاكي در اين روز همه با هم نجوا كردند:  
"خداي من، من به گناهانم اعتراف مي كنم، آنها را ببخش، منم كه بد كردم، منم كه خطا كردم، منم كه تصميم به گناه گرفتم، منم كه ناداني كردم."  
مسلمانان با شركت در آيين پرفيض و ملكوتي دعاي عرفه، با ريختن اشك عشق، از معبود خود طلب عفو كرده و براي گناهان گذشته خود از ذات اقدس الهي طلب مغفرت كردند.

\*\*\*

عرفات نام جايگاهي است كه حاجيان در روز عرفه (نهم ذي الحجه) در آنجا توقف مي كنند و به دعا و نيايش مي پردازند و پس از برگزاري نماز ظهر و عصر به مكه مکرمه باز مي گردند و وجه تسميه آنرا چنين گفته اند كه جبرائيل عليه السلام هنگامي كه مناسك را به ابراهيم مي آموخت، چون به عرفه رسيد به او گفت ?عرفت? و او پاسخ داد آري، لذا به اين نام خوانده شد. و نيز گفته اند سبب آن اين است كه مردم از اين جايگاه به گناه خود اعتراف مي كنند و بعضي آن را جهت تحمل صبر و رنجي مي دانند كه براي رسيدن به آن بايد متحمل شد. چرا كه يكي از معاني ?عرف? صبر و شكيبايي و تحمل است. (1)  
فَتَلَقي آدَمُ مِنْ رَبِّه كَلماتًُ فتابَ عَليهِ اِنَّه? هو التَّوابُ الرّحيمْ  
آدم از پروردگارش كلماتي دريافت داشت و با آن به سوي خدا بازگشت و خداوند، توبه او را پذيرفت، چه او توبه پذير مهربان است.  
طبق روايت امام صادق(ع)، آدم (ع) پس از خروج از جوار خداوند، و فرود به دنيا، چهل روز هر بامداد بر فرار كوه صفا با چشم گريان در حال سجود بود، جبرئيل بر آدم فرود آمد و پرسيد:  
ـ چرا گريه مي كني اي آدم؟  
ـ چگونه مي توانم گريه نكنم در حاليكه خداوند مرا از جوارش بيرون رانده و در دنيا فرود آورده است.  
ـ اي آدم به درگاه خدا توبه كن و به سوي او بازگرد.  
ـ چگونه توبه كنم؟  
جبرئيل در روز هشتم ذيحجه آدم را به مني برد، آدم شب را در آنجا ماند. و صبح با جبرئيل به صحراي عرفات رفت، جبرئيل هنگام خروج از مكه، احرام بستن را به او ياد داد و به او لبيك گفتن را آموخت و چون بعد از ظهر روز عرفه فرا رسيد تلبيه را قطع كرد و به دستور جبرئيل غسل كرد و پس از نماز عصر، آدم را به وقوف در عرفات واداشت و كلماتي را كه از پروردگار دريافت كرده بود به وي تعليم داد، اين كلمات عبارت بودند از:  
  
خداوندا با ستايشت تو را تسبيح مي گويم سُبحانَكَ اللهُمَ وَ بِحمدِك   
جز تو خدايي نيست لا الهَ الاّ اَنْتْ   
كار بد كردم و بخود ظلم نمودم عَمِلْتُ سوء وَ ظَلَمْتُ نَفْسي   
به گناه خود اعتراف مي كنم وَ اِعْتَرِفْتُ بِذَنبي اِغْفرلي   
تو مرا ببخش كه تو بخشنده مهرباني اِنَّكَ اَنْتَ اَلغَفور الرّحيمْ   
  
آدم (ع) تا هنگام غروب آفتاب همچنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشك مي ريخت، وقتي كه آفتاب غروب كرد همراه جبرئيل روانه مشعر شد، و شب را در آنجا گذراند. و صبحگاهان در مشعر بپاخاست و در آنجا نيز با كلماتي به دعا پرداخت و به درگاه خداوند توبه گذاشت......

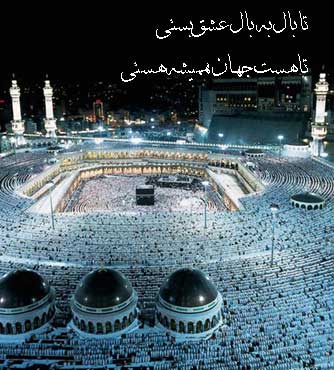
\*\*\*

**تسبيحات حضرت رسول صَلَّى اللَّهِ عَلِيهِ وَاله در روز عرفه**  
  
پس فرموده بخوان اين تسبيحات را كه مروى از حضرت رسول صَلَّى اللَّهِ عَلِيهِ وَ اله است و سيّد بن طاوُس در اقبال ذكر فرموده :  
سُبْحانَ الَّذى فِى السَّمآءِ عَرْشُهُ سُبْحانَ الَّذى فِى الاَْرْضِ حُكْمُهُ  
منزه است خدايى كه در آسمان است عرش او منزه است خدايى كه در زمين است فرمان و حكمش  
سُبْحانَ الَّذى فِى الْقُبوُرِ قَضآؤُهُ سُبْحانَ الَّذى فِى الْبَحْرِ سَبيلُهُ  
منزه است خدايى كه در گورها قضا و فرمانش جارى است منزه است خدايى كه در دريا راه دارد  
سُبْحانَ الَّذى فِى النّارِ سُلْطانُهُ سُبْحانَ الَّذى فِى الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ  
منزه است خدايى كه در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزه است خدايى كه در بهشت رحمت او است  
سُبْحانَ الَّذى فِى الْقِيمَةِ عَدْلُهُ سُبْحانَ الَّذى رَفَعَ السَّمآءَ   
منزه است خدايى كه در قيامت عدل و دادش برپا است منزه است خدايى كه آسمان را بالا برد   
سُبْحانَ الَّذى بَسَطَ الاْرْضَ سُبْحانَ الَّذى لا مَلْجَاَ وَلا مَنْجا مِنْهُ اِلاّ اِلَيْهِ   
منزه است خدايى كه زمين را گسترد منزه است خدايى كه ملجا و پناهى از او نيست جز بسوى خودش   
پس بگو   
سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلا اللّهُ وَاللّهُ اَكْبَرُ صد مرتبه   
منزه است خدا و حمد از آن خدا است و معبودى جز خدا نيست و خدا بزرگتر از توصيف است  
و بخوان توحيد صد مرتبه و آية الكرسى صد مرتبه و صلوات بر محمّد و آل محمّد صد مرتبه و بگو  
لااِلهَ اِلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيى وَيُميتُ  
معبودى جز خدا نيست يگانه اى كه شريك ندارد پادشاهى خاص او است و از آن او است حمد زنده كند و بميراند  
وَيُميتُ وَيُحْيى وَهُوَ حَىُّ لا يَموُتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ  
و بميراند و زنده كند و او است زنده اى كه نميرد هرچه خير است بدست او است و او بر هر چيز  
قَديرٌ ده مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذى لا اِلهَ اِلاّ هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ وَاَتوُبُ اِلَيْهِ ده مرتبه  
توانا است آمرزش خواهم از خدايى كه معبود بحقى جز او نيست كه زنده و پاينده است و بسويش توبه كنم  
يا اَللّهُ ده مرتبه يا رَحْمنُ ده مرتبه يا رَحيمُ ده مرتبه يا بَديعَ السَّمواتِ وَالاْرْضِ يا ذَاالْجَلالِ وَالاِْكْرامِ ده مرتبه يا حَىُّ يا قَيُّومُ ده مرتبه يا حَنّانُ يا مَنّانُ ده مرتبه يا لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ ده مرتبه آمينَ ده مرتبه

\*\*\*

**مضامینی از دعای عرفه**

1ـ ستايش حق تعالي:  
ستايش سزاوار خداوندي است كه كس نتواند از فرمان قضايش سرپيچد و مانعي نيست كه وي را از اعطاي عطايا، باز دارد. و صنعت هيچ صنعتگري بپاي صنعت او نرسد. بخشنده بيدريغ است. اوست كه بدايع خلقت را بسرشت و صنايع گوناگون وجود را با حكمت خويش استوار ساخت.......  
  
2ـ تجديد عهد و ميثاق با خدا:  
پروردگارا بسوي تو روي آورم. و به ربوبيت تو گواهي دهم. و اعتراف كنم كه تو تربيت كننده و پرورنده مني. و بازگشتم بسوي توست. مرا با نعمت آغاز فرمودي قبل از اينكه چيز قابل ذكري باشم.......  
  
3ـ خود شناسي:  
و قبل از هدايت مرا با صنع زيبايت مورد رأفت و نعمتهاي بيكرانت قرار دادي. آفرينشم را از قطره آبي روان پديد آوردي. و در تاريكيهاي سه گانه جنيني سكونتم دادي: ميان خون و گوشت و پوست. و مرا شاهد آفرينش خويش نگرداندي و هيچيك از امورم را بخودم وا نگذاشتي........  
  
4ـ راز آفرينش انسان:  
ولي مرا براي هدفي عالي يعني هدايت (و رسيدن به كمال) موجودي كامل و سالم بدنيا آوردي. و در آن هنگام كه كودكي خردسال در گهواره بودم، از حوادث حفظ كردي. و مرا از شير شيرين و گوارا تغذيه نمودي. و دلهاي پرستاران را بجانب من معطوف داشتي. و با محبت مادران به من گرمي و فروغ بخشيدي........  
  
5ـ تربيت انسان در دانشگاه الهي:  
تا اينكه با گوهر سخن مرا ناطق و گويا ساختي. و نعمتهاي بيكرانت را بر من تمام كردي. و سال به سال بر رشد و تربيت من افزودي. تا اينكه فطرت و سرنوشتم، به كمال انساني رسيد. و از نظر توان اعتدال يافت. حجتت را بر من تمام كردي كه معرفت و شناختت را به من الهام فرمودي.......  
  
6ـ نعمتهاي خداوند:  
آري اين لطف تو بود كه از خاك پاك عنصر مرا بيافريدي. و راضي نشدي اي خدايم كه نعمتي را از من دريغ داري. بلكه مرا از انواع وسائل زندگي برخوردار ساختي. با اقدام عظيم و مرحمت بيكرانت بر من. و باحسان عميم خود نسبت به من، تا اينكه همه نعماتت را درباره من تكميل فرمودي......  
  
7ـ شهادت به بيكراني نعمت هاي الهي:  
الهي! من به حقيقت ايمانم، گواهي دهم. و نيز به تصميمات متيقن خود و به توحيد صريح و خالصم  
و به باطن ناديدني نهادم. و پيوستهاي جريان نور ديده ام. و خطوط ترسيم شده بر صفحه پيشاني ام، و روزنه هاي تنفسي ام، و نرمه های تيغه بيني ام. و آوازگيرهاي پرده گوشم و آنچه در درون لبهاي من پنهان است......  
  
8ـ ناتواني بشر از بجا آوردن شكر الهي:  
گواهي مي دهم اي پروردگار كه اگر در طول قرون و اعصار زنده بمانم و بكوشم تا شكر يكي از نعمات تو بجا آورم، نتوانم مگر باز هم توفيق تو رفيقم شود، كه آن خود مزيد نعمت و مستوجب شكر ديگر، و ستايش جديد و ريشه دار باشد...........  
  
9ـ ستايش خداي يگانه:  
معهذا من با تمام جد و جهد و توش و توانم تا آنجا. كه وسعم مي رسد با ايمان و يقين قلبي گواهي مي دهم. و اظهار مي دارم:  
حمد و ستايش خدايي را كه فرزندي ندارد تا ميراث برش باشد. و در فرمانروايي نه شريكي دارد تا با وي در آفرينش بر ضديت برخيزد و نه دستياري دارد تا در ساختن جهان به وي كمك دهد.....  
  
10ـ خواسته هاي يك انسان متعالي:  
خداوندا، چنان كن كه از تو بيم داشته باشم، آنچنان كه گويي تو را مي بينم و مرا با تقوايت رستگار كن! اما بخاطر گناهانم مرا به شقاوت دچار مساز! مقدر كن كه سرنوشت من به خير و صلاح من باشد. و در تقديراتت خير و بركت بمن عطا فرما!  
  
11ـ سپاس به تربيت هاي الهي:  
خداوندا! ستايش از آن تست كه مرا آفريدي. و مرا شنوا و بينا گرداندي! و ستايش سزاوار تست كه مرا بيافريدي و خلقتم را نيكو بياراستي. بخاطر لطفي كه به من داشتي والا......  
  
12ـ نيازهاي تربيتي از خدا:  
و مرا بر مشكلات روزگار، و كشمكش شبها و روزها ياري فرماي! و مرا از رنجهاي اين جهان و محنتهاي آن جهان نجات بده و از شر بديهايي كه ستمكاران در زمين مي كنند نگاه بدار.............  
  
13ـ شكايت به پيشگاه خداوند:  
خدايا! مرا به كه وا مي گذاري؟ آيا به خويشاوندي كه پيوند خويشاوندي را خواهد گسست؟ يا به بيگانه كه بر من بر آشفتد؟ يا به كسانيكه مرا به استضعاف و استثمار كشانند؟ در صورتيكه تو پروردگار من و مالك سرنوشت مني؟  
  
14ـ اي مربي پيامبران و فرستنده كتب آسماني:  
اي خداي من و اي خداي پدران من! ابراهيم، اسماعيل، اسحق و يعقوب، و اي پروردگار جبرئيل، مكائيل و اسرائيل. و اي تربيت كننده محمد، خاتم پيامبران و فرزندان برگزيده اش. اي فرو فرستنده تورات، انجيل زبور و فرقان......  
  
15ـ تو پناهگاه مني:  
تو پناهگاه مني، بهنگامي كه راهها با همه وسعت، بر من صعب و دشوار شوند و فراخناي زمين بر من تنگ گردد. و اگر رحمت تو نبود من اكنون جزء هلاك شدگان بودم. و تو مرا از خطاهايم باز مي داري. و اگر پرده پوشي تو نبود از رسوايان بودم.  
---------------------------------------------  
1- فرهنگ دهخدا / ج 10 جديد / ص 15818   
منبع: دعاي عرفه عبدالكريم بي آزار شيرازي



\*\*\*

**حضرت ابراهيم (ع) در عرفات**  
در صحراي عرفات، جبرئيل، پيك وحي الهي، مناسك حج را به حضرت ابراهيم (ع) نيز آموخت و حضرت ابراهيم (ع) در برابر او مي فرمود: عَرِفتُ، عَرِفتُ (شناختم، شناختم).

**پيامبر اسلام (ص) در عرفات**  
و نيز دامنه كوه عرفات در زمان صدر اسلام كلاس صحرايي پيامبر اسلام (ص) بود و بنا به گفته مفسرين آخرين سوره قرآن در صحراي عرفات بر پيغمبر (ص) نازل شد و پيغمبر اين سوره را كه از جامع ترين سوره هاي قرآن است و داراي ميثاق و پيمانهاي متعدد با ملل يهود، مسيحي و مسلمان و علماي آنها مي باشد، و قوانين و احكام كلي اسلام را در بر دارد، به مردم و شاگردانش تعليم فرمود.  
و طبق مشهور ميان محدثان پيامبر (ص) در چنين روزي سخنان تاريخي خود را در اجتماعي عظيم و با شكوه حجاج بيان داشت:  
...... اي مردم سخنان مرا بشنويد! شايد ديگر شما را در اين نقطه ملاقات نكنم. شما به زودي به سوي خدا باز مي گرديد. در آن جهان به اعمال نيك و بد شما رسيدگي مي شود. من به شما توصيه مي كنم هركس امانتي نزد اوست بايد به صاحبش برگرداند. هان اي مردم بدانيد ربا در آئين اسلام اكيداً حرام است. از پيروي شيطان بپرهيزيد. به شما سفارش مي كنم كه به زنان نيكي كنيد زيرا آنان امانتهاي الهي در دست شما هستند، و با قوانين الهي بر شما حلال شده اند.  
......... من در ميان شما دو چيز به يادگار مي گذارم كه اگر به آن دو چنگ زنيد گمراه نمي شويد، يكي كتاب خدا و ديگري سنت و (عترت) من است.  
هر مسلماني با مسلمان ديگر برادر است و همه مسلمانان جهان با يكديگر برادرند و چيزي از اموال مسلمانان بر مسلماني حلال نيست مگر اينكه آنرا به طيب خاطر به دست آورده باشد.....

**صحراي عرفات همايش شناخت و خودسازي امام حسين (ع)**حضرت سيدالشهدا، امام حسين (ع) نيز بعد از ظهر روز عرفه همراه با فرزندان و گروهي از اصحاب از خيمه هاي خود در صحراي عرفات بيرون آمدند، و روي به دامن ?كوه رحمت? نهادند و در سمت چپ كوه روي به كعبه، همايشي تشكيل دادند، كه موضوع آن به مناسبت روز عرفه (روز شناخت)، شناخت و سازندگي بود. اين همايش، تنها جنبه علم و معرفت نداشت بلكه شناخت توأم با عمل و سازندگي و تزكيه و خودسازي بود.

\*\*\*

**بخوانیم با یکدیگر زیارت امام حسین (ع) را در روز عرفه**

 بدان كه آنچه از اهل بيت عصمت و طهارت عليهم السلام در باب زيارت عرفه رسيده از كثرت اخبار و بسيارى فضيلت و ثواب زياده از آن است كه احصا شود و ما به جهت تشويق زايرين به ذكر چند حديث اكتفا مى‏نماييم (به سند معتبر از بشير دهان منقول است كه گفت: عرض كردم به خدمت حضرت صادق عليه السلام كه گاه هست حج از من فوت مى‏شود و روز عرفه را نزد قبر امام حسين عليه السلام مى‏گذرانم فرمود كه نيك مى‏كنى اى بشير هر مؤمنى كه به زيارت قبر امام حسين عليه السلام برود با شناسايى حق آن حضرت در غير روز عيد نوشته شود براى او ثواب بيست حج و بيست عمره مبروره مقبوله و بيست جهاد با پيغمبر مرسل يا امام عادل و هر كه زيارت كند آن حضرت را در روز عيد بنويسد حق تعالى براى او ثواب صد حج و صد عمره و صد جهاد با پيغمبر مرسل يا امام عادل و هر كه زيارت كند آن حضرت را در روز عرفه با معرفت حق آن حضرت نوشته شود براى او ثواب هزار حج و هزار عمره پسنديده مقبوله و هزار جهاد با پيغمبر مرسل يا امام عادل گفتم كجا حاصل مى‏شود براى من ثواب موقف عرفات   
پس آن حضرت نظر كرد به سوى من مانند كسى كه خشمناك باشد و فرمود كه اى بشير هر گاه مؤمنى برود به زيارت قبر امام حسين عليه السلام در روز عرفه و غسل كند در نهر فرات پس متوجه شود به سوى قبر آن حضرت بنويسد حق تعالى از براى او به هر گامى كه برمى‏دارد حجى كه با همه مناسك بعمل آورده باشد و چنين گمان دارم كه فرمود و عمره [غزوه‏]) (و در احاديث كثيره بسيار معتبره وارد شده كه: حق تعالى در روز عرفه اول نظر رحمت بسوى زائران قبر حسين عليه السلام مى‏افكند پيش از آنكه نظر به اهل موقف عرفات كند) (و در حديث معتبر از رفاعه منقول است كه: حضرت صادق عليه السلام به من فرمود كه امسال حج كردى گفتم فدايت شوم زرى نداشتم كه به حج روم و لكن عرفه را نزد قبر امام حسين عليه السلام گذرانيدم فرمود كه اى رفاعه هيچ كوتاهى نكردى از آنچه اهل منى در آن بودند اگر نه اين بود كه كراهت دارم كه مردم ترك حج كنند هر آينه حديثى براى تو مى‏گفتم كه هرگز ترك زيارت قبر آن حضرت نكنى پس ساعتى ساكت شد و بعد از آن فرمود كه خبر داد مرا پدرم كه هر كه بيرون رود به سوى قبر امام حسين عليه السلام و عارف به حق آن حضرت باشد و با تكبر نرود همراه او مى‏شوند هزار ملك از جانب راست و هزار ملك از جانب چپ و نوشته شود براى او ثواب هزار حج و هزار عمره كه با پيغمبر يا وصى پيغمبر كرده باشد) و اما كيفيت زيارت آن حضرت پس چنان است كه علماى اجله و رؤساى مذهب و ملت فرموده‏اند چون خواستى آن حضرت را در اين روز زيارت كنى پس اگر ممكن شد ترا كه از فرات غسل كنى چنان كن و اگر نه از هر آبى كه ترا ممكن باشد و پاكيزه‏ترين جامه‏هاى خود را بپوش و قصد زيارت آن حضرت كن در حالتى كه به آرامى و وقار و تأنى باشى پس چون به در حاير برسى بگو:

بسم الله الرحمن الرحيم  
  
« اللهُ اَكْبَرُ كَبيراً ، وَالحَمْدُ للهِ كَثيراً ، وَسُبْحانَ اللهِ بُكْرَةً وَأصيلاً ، وَالحَمْدُ للهِ الَّذي هَدانا لِهذا وَماكُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانا اللهُ لَقدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالحَقِّ ، السَّلامُ على رَسُولِ اللهِ ، السَّلامُ عَلى أميرِ المُؤمِنينَ ، اَلسَّلامُ عَلى فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدةِ نِساءِ العالَمينَ ، اَلسَّلامُ على الحَسَنِ والحُسَيْنِ ، اَلسَّلامُ عَلى عَليِّ بنِ الحُسَينِ ، اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَليٍّ ، اَلسَّلامُ عَلى جَعْفَرِ بنِ مُحَمَّدِ ، اَلسَّلامُ عَلى مُوسَى بنِ جَعْفَر ، اَلسَّلامُ عَلى عَليِّ بنِ مُوسى ، اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَليٍّ ، اَلسَّلامُ عَلى الحَسَنِ بنِ عَليٍّ ، اَلسَّلامُ عَلى الخَلفِ الصّالِحِ المُنْتَظَر ، اَلسَّلامُ عَليكَ يا أبا عَبدِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَليكَ يابنَ رَسُولِ اللهِ ، وَابْنُ عَبْدِكَ وَابنُ أَمَتِكَ ، المُوالي لِوَلِيَّكَ وَالمُعادي لِعَدُوِّكَ ، استَجارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ اِلى اللهِ بِقَصْدِكَ ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي هَداني لِوِلايَتِكَ ، وَخَصَّني بِزِيارَتِكَ وَسَهَّلَ لي قَصْدَكَ » .  
  
ثم قل : « اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ آدَمَ صَِفوَةِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ نُوح نَبيِّ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ اِبراهِيمَ خَليلِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ مُوسى كَليمِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ عيسى رُوحِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ مُحَمَّد حَبيبِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ اَميرِ المؤُمِنينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوارِثَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ مُحَمَّد المُصطَفى ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يابنَ عَلِّي المُرتَضى ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ فاطِمَةَ الزَّهراه ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ خَديجَةَ الكُبرى ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَاثارَ اللهِ وَابنَ ثارِهِ وَالوِترَ المُوتُورِ . أَشهَدُ أَنَّكَ قَد أَقَمتَ الصَلاةَ ، وَآتَيتَ الزَكاةَ ، وَأمَرتَ بِالمَعرُوفِ ، وَنَهَيتَ عَن المُنكَر ، وَأَطعتَ اللهَ حَتّى أَتاكَ اليَقينُ ، فَلَعَنَ اللهُ أُمَةً قَتَلَتكَ ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً ظَلَمَتكَ ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً سَمِعَت بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ ، يامَولايَ ياأَبا عَبدِ اللهِ اُشهِدُ اللهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنبِياءَهُ وَرُسُلَِهُِ اَنّي بِكُم مُؤمِنُ ، وَبِأيابِكُم مُوقِنٌ بِشَرائِعِ ديني وَخَواتِيمِ عَمَلي ، وَمُنقَلبي اِلى رَبّي ، فَصَلَواتُ اللهِ عَلَيكُم وَعَلى أرواحِكُم وَعَلى اَجسادِكُم وَعَلى شاهِدِكُم وَعَلى غائِبِكُم وَعَلى ظاهِرِكُم وَعَلى باطِنِكُم . اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ خاتَمِ النَبِّيينَ ، وَابنَ سَيِدِ الوَصِّيينَ ، وَابنَ اِمامِ المُتَّقينَ ، وَابنَ قائِدِ الغُرِّ الُمحَجَّلينَ اِلى جَنّاتِ النَعيم ، وَكَيفَ لاتَكُونُ كَذلِكَ وَاَنتَ بابُ الهُدى ، وَاِمامُ التُقى ، وَالعُروَةُ الوُثقى ، وَالحُجَّةُ عَلى أَهلِ الدُّنيا ، وَخامِسُ اَصحابِ (أهلِ) الكِساءِ ، غَذَتْكَ يَدُ الرَّحمَةِ ، وَرُضِعتَ مِنْ ثَديِ الايمانِ ، وَرُبِّيتَ في حِجرِ الاسلامِ ، فَالنَفسُ غَيرُ راضِيَة بِفِراقِكَ وَلا شاكَة في حَياتِكَ ، صَلَواتُ اللهِ عَلَيكَ وَعَلى آبائِكَ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياصَريعَ العَبرَةِ الساكِبَةِ ، وَقَرينَ المُصيبَةِ الرّاتِبَةِ ، لَعَنَ اللهُ أُمَةً اِستَحَلّت مِنكَ الَمحارِمَ ، وَاْنتَهَكَت مِنكَ حُرمَةَ الاِسلامِ ، فَقُتِلتَ صَلّى اللهُ عَليكَ مَقهُوراً ، وَاَصبَحَ رَسُولُ اللهِ بِكَ مَوتُورَاً ، وَأصبَحَ كِتابُ اللهِ بِفَقدِكَ مَهجُورَاً ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ وَعَلى جَدِّكَ وَاَبيكَ وَاُمِّكَ وَاَخيكَ ، وَعَلى الاَئِمَةِ مِنْ بَنيكَ ، وَعَلى المُستَشهَدينَ مَعَكَ ، وَعَلى الملائِكَةِ الحافِّينَ بِقَبرِكَ وَالشّاهِدينَ لِزُوّارِكَ المُؤمِنينَ بِالقَبُولِ عَلى دعاءِ شِعَتِكَ ، وَالسَّلامُ عَلَيكَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ » .  
  
وصل ركعتين إقرأ فيها ماتشاء ، وإذا فرغت فقل :  
  
« اَللّهُمَّ إِنّي صَلّيتُ وَرَكَعتُ وَسَجَدتُ لَكَ وَحدَكَ لاشَريكَ لَكَ ، لاِنَّ الصَّلاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لاتَكوُنُ إِلاّ لَكَ ، لاِنَّكَ أنتَ اللهُ الَّذي لااِلهَ اِلاّ اَنتَ اَللّهُمَّ وَهاتانِ الرُكعَتانِ هَدِيةٌ مِنّي اِلى مُولايَ وَسَيِّدي وَإمامي اَلْحُسَينِ بنِ عَليٍّ عَلَيْهِما السَّلامّ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد ، وَتَقَبَّل ذلكَ مِنّي وَاجْزِني عَلى ذلكَ اَفضَلَ اَمَلي وَرَجائي فِيكَ وَفي وَليِّكَ ياأَرْحَمَ الرّاحِمين » .  
  
ثم زر ولده علي بن الحسين الاكبر عليه السلام وقل :  
  
« اَلسَّلامُ عَلَيكَ يابْنَ رَسُولِ الله ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يابْنَ نَبِيِّ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يابْنَ اَميرِ المؤُمنينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يابْنَ الحسينِ الشَّهيدِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّها الشَّهيدُ ابْنُ الشَّهيدِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّها المظلومُ ابْنُ المظلوم ، لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ ، وَلَعَنَ اللهُ أمَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضيَت بِهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يامَولاي ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياوليَّ اللهِ وَابْن وَلِيِّهِ ، لَقَدْ عَظُمَتِ المُصيبَة ، وَجَلّتِ الرَّزيَّةُ بِكَ عَلَينا وَعَلى جَميع المؤمنينَ ، فَلَعَنَ اللهُ اُمّةً قَتَلَتْكَ ، وَاَبْرأُ إلى اللهِ وَاِلَيْكَ مِنْهُمْ في الدّنيا وَالاخرة » .  
  
ثم زر شهداء كربلاء وقل :  
  
« السَّلامُ عَلَيْكُم ياأَوْلياءَ اللهِ وَاَحِّباءَه ، السَّلامُ عَلَيْكُم يااَصفياءَ اللهِ وَأَوِدّاءَهُ . السَّلامُ عَلَيْكُم ياأَنْصارَ دين اللهِ وَاَنصارَ نَبيّهِ وَاَنْصارَ اَميرِ المُؤمِنينَ وَاَنصارَ فاطِمَةَ سَيْدَةِ نِساءِ العالَمينَ ، السَّلامُ عَلَيْكُم ياأَنصارَ أَبي مُحَمَّد الحَسَنِ الوَليِّ النّاصِحِ ، السَّلامُ عَلَيْكُم يااَنْصارَ اَبي عَبْدِ اللهِ الحُسَينِ الشَّهيدِ المَظلومِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ ، بِأبي اَنْتُم وَامّي طِبْتُمْ وَطابَتِ الارضُ الَّتي فيها دُفِنْتُمْ ، وَفُزْتُمْ وَاللهِ فَوْزاً عَظيما ، يالَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفوزَ مَعَكُمْ في الجِنان مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ اُولئِكَ رَفيقاً ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُم وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُه » .  
  
ثم زر أبا الفضل العباس عليه السلام وقل :  
  
« اَلسَّلامُ عَلَيكَ ياأَبا الفَضْلِ العَبّاسَ ابْنَ اَميرِ المؤمِنينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يابْنَ سَيِّدِ الوَصيِّينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيكَ يابْنَ أوَّلِ القومَ إسْلاماً ، وَأَقدَمِهِمْ اِيْماناً ، وَأَقْوَمِهِمْ بِدينِ اللهِ ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلى الاسْلامِ ، أَشْهَدُ لَقدْ نَصَحْتَ للهِ وَلِرَسُولِهِ وَلاَخيكَ فَنِعْمَ الاخُ المُواسي ، فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ ، وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةَ ظَلَمَتْكَ ، وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اِسْتَحَلَّتْ مِنكَ الَمحارِمَ ، وَانْتَهَكَتْ في قَتْلِكَ حُرْمَةَ الاسْلامِ ، فَنِعمَ الاَخُ الصّابِرُ الُمجاهِدُ الُمحامي النّاصِرُ وَالاَخُ الدّافِعُ عَنْ أَخيهِ الُمجيبِ الى طاعَةِ رَبّه الرّاغِبُ فيما زَهِدَ فيهِ غَيرُهُ مِنَ الثَّوابِ الجَزيلِ وَالثّناءِ الجَميلِ ، وَأَلحَقَكَ اللهُ بِدَرَجَةِ آبائِكَ في دار النَّعيم ، اِنّهُ حَميدٌ مَجيد » .  
  
ثم قل :  
  
« اللّهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ وَلِزيارَةِ اَوْليائِكَ قَصَدْتُ رَغْبَةً في ثَوابِكَ وَرَجاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزيلِ اِحْسانِكَ ، فَأَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد ، وَاَنْ تَجْعَلْ رزْقي بِهِم دارّاً ، وَعَيْشي بِهِم قارّاً ، وَزيارَتي بِهِمْ مَقْبُولَةً ، وَذَنْبي بِهِمْ مَغْفُوراً ، وَاقْلِبني بِهِم مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً دُعائي بِأَفْضلِ مايَنْقَلِبُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ زُوّارِه وَالقاصِدينَ اِلَيْه ، بِرَحْمَتِكَ يااَرْحَمَ الرّاحِمينَ » .